صفحه‌آرا: علیرضا بهرامی

جامعه پدیا

#قاضی_در_مدرسه

تمرکز بر شناسایی آسیب‌های دانش‌آموزی و تلاش برای حل‌وفصل آنها یکی از اولویت‌های آموزش‌وپرورش کشور است؛ موضوعی که وزیر آموزش و پرورش بارها و بارها بر آن تأکید کرده و گفته اگر ما نسلی برخوردار از سلامت اجتماعی و اخلاقی می‌خواهیم باید حواسمان به آسیب‌های دانش‌آموزی باشد.

طرح قاضی در مدرسه از جمله طرح‌های اجتماعی، آموزشی و فرهنگی است که به همین منظور در مدارس کشور در حال اجراست؛ طرحی که با همکاری قوه قضاییه و آموزش و پرورش اجرا می‌شود. سخنگوی قوه قضاییه از این طرح به‌عنوان یکی از طرح‌های موفق یاد می‌کند و معتقد است طرح «قاضی در مدرسه» که در آن آموزش‌های حقوقی و پیشگیرانه به دانش‌آموزان، اولیای آنان و مدیران مدارس ارائه می‌شود یک طرح مشترک میان قوه قضاییه و آموزش و پرورش است؛ همکاری بسیار مثبت، مستمر و تنگاتنگی که نتایج خوبی دربرداشته است.

او با بیان اینکه رسیدگی به آسیب‌های اجتماعی دانش‌آموزان صرفا وظیفه آموزش‌وپرورش نیست، افزود همه دستگاه‌ها باید همراهی و همکاری لازم را داشته باشند تا استعدادهای دانش‌آموزان در فضایی امن، صمیمی و بانشاط شکوفا و مداخلات هوشمندانه مانع انحراف از مسیر تحصیلی شود. اصغر جهانگیر معتقد است دانش‌آموزان سرمایه آینده ایران هستند و اگر به‌موقع حمایت شوند، استعدادهای آنان می‌تواند به‌صورت درخشان شکوفا شود.

به گفته او، سامانه نماد هم یکی دیگر از طرح‌های مشترکی است که میان آموزش و پرورش و قوه‌قضاییه در حال اجراست: «اکنون با ایجاد اتصال برخط میان دستگاه‌های همکار، فرایند ارجاع‌ها نیز هوشمند است؛ البته به‌محض شناسایی آسیب‌ها (اعم از افت تحصیلی)، ترک تحصیل، افسردگی یا مسائل جسمی و روانی، مداخلات مؤثر و به‌موقع آغاز می‌شود و این سازوکار کمک می‌کند تا آسیب‌ها کنترل و سرمایه‌های انسانی کشور برای آینده حفظ شوند.»

اصل و شرح

برخورد قانونی با موادمخدر جدید

تولید موادمخدر صنعتی جدید در جهان باعث شده است که قوانین هر کشور نیازمند به‌روزرسانی دائمی باشد تا برای خرید و فروش این مواد، مجازات تعیین شود. دبیر کل ستاد مبارزه با موادمخدر با اشاره به شناسایی ۱۵ نوع ماده مخدر و روانگردان جدید، از تدوین لایحه‌ای در مجلس خبر داد. سردار حسین ذوالفقاری گفت: به‌دلیل آنکه این مواد جدید، هنوز در قوانین کشورها جرم‌انگاری نشده‌اند، حتی اگر مأموران انتظامی این مواد را کشف کنند، نظام قضایی با مشکل روبه‌رو می‌شود. راهکار، جرم‌انگاری این مواد از طریق مجلس است تا پلیس و دستگاه قضایی بتوانند برخورد قانونی انجام دهند. به گفته او، ستاد مبارزه با موادمخدر پیشنهاد داده است که پس از اعلام رسمی سازمان جهانی بهداشت مبنی بر مخدربودن یک ماده، ستاد بتواند آن را به‌عنوان مخدر غیرقانونی تلقی کند و بر مبنای نوع مخدرهای هم‌سنخ، امکان تعیین مجازات از سوی قضات فراهم شود.

معتکفان ۳۰ درصد بیشتر شدند

گزارشی از حال و هوای اعتکاف سال ۱۴۰۴ و مقایسه آن با سال‌های گذشته

جامعه امروز

محمد سرابی | روزنامه‌نگار | امروز غروب که از راه برسد مهمانی تمام می‌شود؛ مهمانی معتکفانی که ۳روز دل از دنیا کندند و با خدایشان خلوت کردند. فرقی نمی‌کند؛ چه معتکفان جوان و نوجوان، چه میانسال و سالمند هر کسی به سبک و شیوه خودش این ۳روز را ریاضت کشید. جوان‌ها شور و حال خاصی به مساجد داده بودند. بزرگ‌ترها هم در کنارشان انتقال تجربه می‌کردند؛ یک نسل برای توسل هنوز به همان کتابخانه چوبی مسجد دلش خوش بود و دعا، نسلی دیگر با هندزفری داخل گوش مناجات این روزها را از طریق تلفن‌همراهش دنبال می‌کرد. خلاصه اینکه نسل‌ها فرق می‌کرد، اما همه دنبال یک خدا بودند. البته قدیم‌ها اینطور نبود. درواقع از وقتی مساجد در ایام‌البیض ظرفیتشان برای پذیرش معتکفان پر شد که رهبر انقلاب اشاره‌ای کرد به جوانان و جذب آنها در این مراسم معنوی؛ حول‌وحوش همان دهه ۷۰. بنا بر آمارهای ستاد اعتکاف از سال‌های گذشته، تعداد شرکت‌کنندگان در این مراسم هرسال نسبت به سال قبل از آن افزایش پیدا کرده است. با اینکه امسال تأکید شده بود همه معتکفان مشخصات خود را در سامانه مربوطه ثبت کنند، اما پیش‌بینی می‌شود تعداد زیادی از معتکفان این ثبت مشخصات را انجام نداده‌اند. به همین دلیل میزان شرکت‌کننده‌ها بیشتر از آمارهای ثبت شده است.

۳۰درصد افزایش

از آمار و ارقام هم که بگذریم همان نگاه چشمی حکایت از افزایش معتکفان هر مسجد دارد. قائم‌مقام ستاد اعتکاف کشور هم در گفت‌وگو با همشهری این افزایش آمار را تأیید کرده و گفته: سال گذشته یک‌میلیون و ۲۵۰هزار نفر در اعتکاف شرکت کردند که پیش‌بینی می‌کنیم امسال این رقم به یک میلیون و ۵۰۰هزار نفر برسد. البته برای مشخص شدن آمار نهایی باید تا پایان مراسم منتظر ماند.

به گفته حجت‌الاسلام محمدباقر تکیه‌ای، سال گذشته تعداد مساجد شرکت‌کننده حدود ۹۷۰۰باب بود که امسال حدود ۳۰درصد افزایش داشته است: «می‌توان دریافت که هم تعداد مساجد و هم تعداد شرکت‌کنندگان و در نتیجه ابعاد اعتکاف امسال ۳۰درصد بیشتر از سال قبل خواهد شد.»

او تأکید می‌کند: نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که اعتکاف نتیجه تلاش یک شبکه مردمی است. مانند مراسم محرم که مردمی است و نمی‌توان ابعاد آن را مشخص کرد. کسی نمی‌تواند بگوید که در یک شهر چند هیئت و چند مجلس عزاداری وجود دارد و چند نفر در آن شرکت می‌کنند. به همین نسبت نمی‌توان به دقت مشخص کرد که چند نفر در اعتکاف امسال شرکت کرده‌اند.

او با ذکر مثالی شرح می‌دهد: اغلب مساجد تلاش می‌کنند همه معتکفان را بپذیرند و به همین دلیل تعداد شرکت‌کنندگان بیشتر از آنچه ثبت نام شده است، می‌شود. در برخی شهرستان‌ها و مناطق روستایی هم اساسا ثبت‌نام انجام نمی‌شود و اهالی به روال هر سال برای اعتکاف به مسجد می‌روند. این تعداد هم در آمارها ثبت نمی‌شود.

نیم میلیون دانش‌آموز

اعتکاف امسال یک ویژگی خاص در مقایسه با سال‌های گذشته داشت که کسی هم نمی‌تواند منکرش شود. امسال حدود ۵۶۰هزار دانش‌آموز دختر و پسر در طرح سراسری اعتکاف شرکت کردند. صادق حسین‌زاده ملکی، معاون پرورشی و فرهنگی وزارت آموزش و پرورش می‌گوید: اکنون بیش از ۵۶۰ هزار نفر در این رویداد معنوی شرکت کرده‌اند. البته با تکمیل آمارها، این میزان از مرز ۶۰۰ هزار نفر فراتر خواهد رفت. او با اشاره به اینکه پیش ثبت‌نام اعتکاف دانش‌آموزان طی ماه‌های آذر و دی در سامانه نورینو انجام شده است تأکید می‌کند: علاوه بر دانش‌آموزانی که به‌صورت متمرکز در برنامه‌های اعتکاف دانش‌آموزی حضور دارند، دانش‌آموزانی نیز به همراه خانواده‌های خود در مساجد در این فریضه دینی شرکت کردند. حسین‌زاده ملکی بیان می‌کند: برای نخستین بار با راه‌اندازی سامانه آنلاین اعتکاف دانش‌آموزی به دانش‌آموزان امکان ثبت‌نام و عضویت در گروه‌ها و کانال‌های مرتبط به‌صورت برخط داده شد. این سامانه نقش کلیدی در برقراری ارتباط مستمر با شبکه دانش‌آموزی و انتقال محتوای آموزشی و فرهنگی ایفا می‌کند.

خداحافظی با پدر ژپتوی ایران

عثمان رحمان‌زاده، از چهره‌های ماندگار هنر خودآموخته ایران و مجسمه‌سازی شناخته‌شده از بوکان بود که به‌دلیل ارتباط عاطفی عمیق با آثارش، لقب «پدر ژپتو» را گرفت. او مانند ژپتوی افسانه‌ای، تنها خالق یک مجسمه نبود و تلاش می‌کرد که ظرافت‌های طراحی به مجسمه‌هایش جان ببخشد. آثار رحمان‌زاده، روایتگر فرهنگ عامه کردستان و زیست روزمره مردم بود. او بدون آموزش آکادمیک اما با ذوق شخصی و عشق، مجسمه‌هایی خلق کرد که به حافظه جمعی راه یافتند. همین پیوند پدرانه با هنر، او را به «پدر ژپتوی ایران» تبدیل کرد.

محرمانه‌ها زیر تیغ

درباره مردی که کارش امحای شناسنامه‌ها، برگه‌های چک و پرونده‌های محرمانه است

گزارش

سحر جعفریان عصر | روزنامه‌نگار | همه‌شان به پوشال، خمیرمقوایی، دستمال کاغذی یا دوباره به کاغذ تبدیل می‌شوند؛ همه آن برگه چک‌ها با ارقام خرد چندصدهزار تومانی تا مبالغ نجومی چند ده‌میلیارد تومانی، همه آن اسناد ازدواج که زوج، مقابل عبارت صداق یک جلد کلام‌الله مجید و یک شاخه نبات تا هزار و چندصد و اندی سکه تمام بهار آزادی امضا کرده‌اند، همه آن شناسنامه‌های قدیمی و المثنی و باطله که موارد عجیب از نام و تعداد همسر در آن ثبت شده و همه آن پرونده‌های تحصیلی و اداری و بانکی که میان‌شان محرمانه‌های نگو و نپرس بسیاری یافت می‌شود؛ محرمانه‌های بازیافتی که اغلب‌اوقات پای نماینده و مامور حراست سازمان‌های دولتی و خصوصی را به کارگاه جمع و جور پرویز موسی‌زاده باز می‌کند و این همان قسمت کمتر شنیده و گفته‌شده از کسب‌وکار پرویز است؛ پرویز و شغل عجیبش که به‌واسطه پخش ویدئوی یک دقیقه‌ای در فضای مجازی حسابی مورد توجه مردم قرار گرفت.

شغل: کاغذ خردکنی

مادرش بعد از شکر خدا بابت اینکه پسرش کار و بار خودش را راه انداخته، پرسیده بود: «حالا شغلت چیست؟» و پرویز سر راست و کوتاه جواب داده بود: «کاغذ خردکنی». چند روزی طول کشید تا همین کاغذخردکنی را برای مادرش به تفصیل توضیح دهد؛ توضیح اینکه چطور برخلاف رویه همه مردان روستای قیز قلعه‌سی در شهرستان بیله‌سوار اردبیل که یا کشاورز و دامپرورند یا مهاجر، او یکباره تصمیم گرفت کارگاه بازیافت کاغذهای باطله راه بیندازد. با این همه مادرش می‌گفت: «از آخال کاغذ هم مگر مُزد در می‌آید؟» پرویز اما تصمیمش را گرفته بود: «کم‌آبی، کشاورزان را جان به‌سر کرده بود و دامپروری هم دردسرهای خاص خودش را داشت. سال‌ها تجربه این دو شغل را از سر گذرانده‌ام ولی خب همیشه ته دلم دوست داشتم شغل دیگری داشته باشم... شغلی مثل برگرداندن کاغذها به چرخه مصرف.» دست‌وپاکردن شرکت، یکی، دوماه زمان برد تا بالاخره حدود ۷سال پیش توانست کرکره کارگاهش را بالا دهد.

کاغذهای باطله، دست روستائیان را بند می‌کند

هفت‌خانِ جورکردن سرمایه و دریافت مجوزها یک طرف، بازاریابی و پیداکردن مشتری‌هایی که سر و کارشان با کاغذ بود طرف دیگر؛ آن هم وسط روستایی که کمتر از ۵۰۰خانوار جمعیت دارد؛ جمعیتی که خیلی هم کاغذ روزنامه و دفتر و کتاب، دور و برشان باطله نمی‌شود؛ «برای همین نیسانم را راندم طرف شهر و شهرستان‌های اطراف؛ از کوثر و مغان تا نمین و مشکین‌شهر. رفتم سراغ سازمان‌ها و اداره‌ها؛ جاهایی که کارشان بدون کاغذ لنگ می‌ماند. از بانک‌ها و مدارس شروع کردم. آن اوایل، کاغذ باطله با توجه به نوع و جنس، کیلویی یک تا ۴هزار تومان بود.» کف کارگاه پر از پوشال است؛ همان کاغذهای رشته‌ای خردشده. یکی، دوکارگر، پوشال‌ها را به دستگاه بسته‌بندی سرریز می‌کنند و پوشال‌ها از طرف دیگر دستگاه به شکل مربع‌های فشرده ۲۰ تا ۵۰کیلویی خارج می‌شوند. پوشال‌های سفید و نرم گران‌تر از پوشال‌های رنگی و زبرند. البته طول و عرض پوشال هم بر قیمت آن اثرگذار است. پرویز می‌گوید: «پوشال گران نصیب میوه‌های صادراتی و بسته‌بندی اجناس لوکس کارخانه‌ها می‌شود.» کاغذهای درجه یک و گلاسه نیز گرانند؛ برعکس کاغذهای کاهی و کثیف که چانه نزده می‌توان کیلویی ۲۰هزار تومان هم خریدشان.»

کاغذها اگر خانه داشتند...

پرویز از ابتدا، پای ثابتی در مدارس داشت. به‌نظرش اگر قرار بود کاغذها خانه داشته باشند خانه‌شان مدرسه بود: «مثل همه، دنبال سود خودم هستم. دنبال کیلویی ۲۰(کتاب و دفتر) تا ۷۰(روزنامه) و حتی ۲۰۰(عکس‌های رادیولوژی) هزار تومان خریدن و کیلویی ۴۰(پوشال سفید) تا ۸۰(انواع خمیر کارتن) هزار تومان و خیلی بیشتر فروختن. اما سنگ کاغذ را هم به سینه می‌زنم. به خدا که اگر درست بازیافت شوند، درخت‌ها کمتر قطع می‌شوند.» پرویز از سر این دغدغه، گاهی با اجازه و هماهنگی مدیران برای دانش‌آموزان، حرف از فرهنگ بازیافت و قصه از درخت می‌گوید؛ حرف‌ها و قصه‌هایی که مدام به گوش کارگرانش هم می‌خواند.

بازیافت همه عاشقانه‌ها و حتی محرمانه‌ها

هر چه زمان می‌گذرد دغدغه‌هایش متفاوت‌تر می‌شوند؛ «چرا سازمان‌ها و ارگان‌های استان، ضایعات کاغذی خود را به کارگاه‌های بازیافت بیرون از استان می‌فروشند؟ این اقدام، هزار عیب دارد و بزرگ‌ترینش هم این است که اشتغال را از استان بیرون می‌برد... همین می‌شود که هم‌روستایی من کوچ می‌کند و روستایمان هر روز بیشتر شبیه متروکه‌ها می‌شود.» این را به یکی از مسئولان استانداری که سرزده آمده بود بازدید کارگاهش، گفته بود. فیلمش هم در صفحه شخصی پرویز در یکی از شبکه‌های شلوغ مجازی موجود است. برای همین دغدغه‌هاست که حالا بسیاری از مراکز و نهادهای دولتی و خصوصی، ضایعات کاغذی‌شان را به او می‌فروشند. از زیر ۱۰تُن مانند دفتر و کتاب دانش‌آموزان و مجلات که اگر بی‌جلد باشند گران‌ترند تا چندده‌تن مانند برگه‌ها و پرونده‌های اداری (بانک، ثبت‌احوال، کمیته‌امداد، شهرداری، قوه‌قضاییه و زندان) که آنها نیز هر چه تمیزتر و سفیدتر و جداسازی‌شده‌تر باشند، قیمت‌شان بالاتر می‌رود.

مکث

سجل، پاراف و احکام صادره می‌خریم

روزهای پرکار پرویز و کارگرانش معمولا همان روزهای پایان سال است که مشتریانشان، کاغذتکانی می‌کنند، به اضافه روزهای پایان سال تحصیلی؛ «باقی روزها خیلی برو و بیا نداریم. برای همین ممکن است گاهی نگاهی به کاغذهایی که به دستگاه خردکن فرو می‌بریم بیندازیم....» دست‌خط‌های زیبا، چرک‌نویس نامه‌های عاشقانه، نمره‌های ۲۰و حتی صفرهای کله گُنده امتحانی، پاراف‌های طلایی پای برگه‌های درخواست وام، کارت‌های اعتباری هدیه و حتی پرونده‌های قضایی از کیفری تا سیاسی. چشم‌شان را اما وقت خردکردن بعضی ضایعات کاغذی که هویتی یا محرمانه‌اند، درویش می‌کنند. این، همان قسمت هیجان‌انگیز کارشان است. مثل دکترها که باید محرم راز بیمارشان باشند پرویز و هم‌صنفی‌هایش نیز باید چشم و گوش بسته بمانند؛ «یکسری اسناد هستند که بعد از ابطال، حدود ۱۰ سال آرشیو و بایگانی می‌مانند تا اگر ضرورت و نیازی پیش آمد، در دسترس باشند؛ مثل شناسنامه، کارت ملی و سند ازدواج. بعد از گذشت این مدت سازمان مربوطه وظیفه دارد آنها را به قصد جلوگیری از سوءاستفاده از بین ببرد که بهترین شیوه همین بازیافت است.» خاطره شناسنامه مردی که نام چندین همسر در آن ثبت بود پرویز را کمی خنداند: «این دسته از اسناد کاغذی تا بارگیری شوند و به کارگاه برسند نماینده و بازرس حراست همان سازمان نیز خودش را می‌رساند تا امنیت و صحت امحا را تأیید کند.» روزانه بین ۳تا ۸تن کاغذ اینجا خرد می‌شود و هر هفته نیز پرویز آستین‌هایش را بالا می‌زند برای روغن‌کاری موتور دستگاه‌ها و تیزکردن تیغه‌های شریدر. اینجا صفحاتی با عالمی از لغات بامعنا و بی‌معنا، عادی یا پر رمز و راز با خاطرات خوب یا بد با عکس‌هایی زنده یا مرده در آنی تبدیل به ذراتی نامفهوم می‌شوند، چیزی شبیه تجزیه بدن بعد از خاک‌شدن زیر خروارها خاک.